

مذاکره سوزانده شده است. آنچه اهمیت دارد، دستور کار مذاکره و ایده پشت آن است. در این مرحله، پرسش‌های دشواری پیش می‌آیند. نمی‌شود ایده مذاکره داشت بدون اینکه یک هسته سخت از خواسته‌ها را تعریف کرد. اگر مذاکره مستقیم انجام شود اما شکست بخورد، آیا دولت آمادگی دارد مذاکره را به عنوان یک ابزار نه هدف، تلقی کند؟ آیا این ابزار را برای دستیابی به هسته سخت خواسته‌های خود به کار می‌گیرید؟

هشدار درباره جنگ افروزی بین ایران با آمریکا و اسرائیل

اما با نگاهی متفاوت تر به این موضوع روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: در مرحله حساس کنونی، فعال کردن دیپلماسی متکی بر مردم، کارآمدترین سلاح برای مقابله با حربه‌های دشمنان است.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: یک اقلیت بی‌منطق در جامعه ما بر طبل جنگ می‌کوبد و تلاش می‌کند نظر خود را بر دیگران تحمیل نماید. خطرناک‌ترین ویژگی «اقلیت خودمردم پندار» اینست که به رایج‌ترین قاعده مدیریت جامعه یعنی پیروی از رأی و نظر اکثریت مردم بی‌اعتنا هستند. اعضاء این اقلیت در جامعه ما خودشان را اسلام می‌دانند، خودشان را به جای کل مردم می‌گذارند، افکار خودشان را افکار انقلابی می‌پندارند و به دلیل همین توهماتی که دارند برای خودشان این جایگاه را قائلند که به جای تمام مردم تصمیم بگیرند و حتی زمانی که منتخب مردم نیستند نیز خواسته و اراده آنها به عنوان تصمیم حکمرانی به اجرا درآید. این، زیانبارترین نوع زیاده‌خواهی است که می‌تواند منافع ملی کشور را با خطرناک‌ترین تهدیدها مواجه کند.

یکی از بدیهی‌ترین موضوعات امروز منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم اکنون این است که آمریکا و اسرائیل می‌خواهند یک جنگ فراگیر به راه بیندازند و بعد از بلائی که بر سر غزه، لبنان و سوریه آورده‌اند حالا اهداف شوم خودشان برای ایجاد تغییرات مورد نظرشان در سایر کشورهای منطقه را هم محقق نمایند. آنها برای شعله‌ور ساختن این جنگ، به بهانه‌ای نیاز دارند که متأسفانه یک اقلیت افراطی در کشور ما برای دامن زدن به آن آمادگی‌هایی را نشان می‌دهد.

اصرار بر حمله به این کشور و آن کشور، سر دادن شعارهای با خاک یکسان کردن اینجا و آنجا و اعتراض‌های غیرمنطقی به دولت که مانع بهانه دادن به دشمن برای شعله‌ور ساختن جنگ در منطقه می‌شود، از ویژگی‌های این اقلیت افراطی است. این، همان «اقلیت خودمردم‌پندار» است که اصرار دارد به جای مردم تصمیم بگیرد و با اینکه می‌داند اکثریت مردم از جنگ متنفرند، فراهم ساختن زمینه‌های یک جنگ را از آن شب برای مردم واجب‌تر جلوه می‌دهد!

آمدن ترامپ برای رسیدن به توافق پایدار مناسب است؟

اما بشنویید از روزنامه هم میهن که به استقبال مذاکره رفته است. هم میهن نوشت: آمدن ترامپ از چند جهت می‌تواند برای رسیدن به یک توافق پایدار مناسب باشد. اول، ویژگی‌های شخصی ترامپ است که دوست دارد خود را بانی و قهرمان توافق‌های مهم بداند. دوم اینکه، سیاست حزب دموکرات در مخالفت با شکل‌گیری توافق ترامپ نخواهد بود چون خودشان پیشتر چنین کرده‌اند. این روزنامه نوشت: شاید عادت شده که تا بحث از گفت‌وگو می‌شود، از آن تعبیر به عقب‌نشینی و شکست می‌شود. درحالی‌که این رویکرد نفی گفت‌وگو، ذاتاً ناشی از ترس و فقدان اعتماد به نفس است که خود را در پوشش انقلابی‌گری پنهان می‌کند.

اصولاً در جهان امروز و حتی گذشته مخالفت با گفت‌وگو نشانه‌ای از ضعف است؛ مگر هنگامی که یک طرف ماجرا طرف دیگر را به رسمیت نشناسد یا خواهان تسلیم بدون قید و شرط آن شود که طبعاً این گفت‌وگو نیست، بلکه درخواست تسلیم کامل است. بنابراین، اجتناب از گفت‌وگو به‌طور ضمنی دعوت به تسلیم طرف مقابل است و این به معنای مجاز شمردن آغازگری تنش از سوی طرف دیگر در قالب هر نوع اقدامی است.

این را باید پذیرفت که اختلافات دو نفر یا دو گروه یا دو کشور لزوماً با گفت‌وگو حل نمی‌شود؛ ولی بدون گفت‌وگو نیز حل نخواهد شد که بدتر می‌شود چون در غیاب گفت‌وگو طرفین نسبت به مواضع یکدیگر ناآگاه می‌شوند.

شاید گفته شود که اگر طرف مقابل نقض پیمان کرده باشد، چه باید کرد؟ همچنان که ایالات متحده از برجام خارج شد. پاسخ در ماهیت حقوقی پیمان است. اگر پیمان منعقدشده ضمانت اجرای کافی داشته باشد، چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. همچنان که قرارداد ۱۳۵۹ الجزایر میان ایران و آمریکا از چنان قوامی برخوردار است که ریگان نتوانست آن را نقض کند و دادگاه‌های آمریکا نیز اجازه نقض آن را نمی‌دهند. پس اگر برجام نقض شده، ضمانت آن را باید در عمل متقابل ایران جست‌وجو کرد و نه در سازوکارهای حقوقی که در این توافق نیست به همین دلیل هم به آن قرارداد نمی‌گویند.

گفت‌وگو از یک سو کوششی است برای پرده‌برداری از جهل دو طرف نسبت به هم، و از طرف دیگر رسیدن به نقطه بهینه‌ای که کمترین زیان و بیشترین سود را برای طرفین داشته باشد.

کمترین نتیجه منفی پرهیز از گفت‌وگو این است که دو طرف نسبت به اهداف و منویات یکدیگر غلو کرده و جهل پیدا می‌کنند و زیان رفتار آنها به مراتب بیشتر از سود آنها خواهد بود.



یادداشت‌های شهر شلوغ

آداب مذاکره و ادب مذاکره!

شهروند | دیروز با سخنان مجدد «سید کمال خرازی» شاید سرفصل بسیاری از رسانه‌ها موضوع مذاکره با آمریکا بود. شب قبل تر خبری از دبیر شورای راهبردی روابط خارجی ایران منتشر شد که در پاسخ به سوال خبرنگار شبکه لبنانی درباره پرونده هسته‌ای ایران تاکید کرد که «جمهوری اسلامی ایران هم آماده ادامه مذاکره و هم آماده مقابله با فشارهاست». خرازی که با المیادین گفت‌وگو می‌کرد، ادامه داد: «واکنش ما متناسب با رفتار آن‌ها خواهد بود». وزیر خارجه پیشین ایران همچنین هشدار داد که «اگر به ایران تجاوز شود، ما متقابلاً پاسخ خواهیم داد، چنانکه تاکنون نیز پاسخ داده‌ایم». پیش از این «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درخصوص برنامه هسته‌ای به شبکه مصری الغد گفت: ما همچنان منتظر تصمیم طرف‌هایی هستیم که با آن‌ها وارد مذاکرات شدیم؛ این طرف‌ها سه کشور اروپایی، چین، روسیه و طرف آمریکایی بود که از این گروه خارج شد. عراقچی گفت: ما نسبت به مسالمت آمیز بودن پرونده هسته‌ای خود اطمینان کامل داریم و مانعی برای مشارکت دادن دیگران نداریم و حتی بعد از عقب‌نشینی آمریکا از مذاکرات، ما به هیچ وجه میز مذاکرات را ترک نکردیم و همواره آماده ورود به مذاکرات شرافتمندانه بر اساس احترام و منافع متقابل هستیم. اما بخوائید ادامه ماجرا را در رسانه‌های دیروز.

گزینه حمله هدفمند نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران که مدنظر اسرائیل است. فکر می‌کنید ترامپ با توجه به تجربه گذشته در قبال ایران کدام مسیر را انتخاب کند؟ گفت: سه گزینه فوق، حتما مطرح هستند اما شاید عمدتاً در طول هم. به این معنی که ترامپ ضمن طرح تهدیداتی که طی همین یکی دو ماه هم شاهد بوده ایم، خواستار مذاکره مستقیم با ایران خواهد بود. البته تهدید همیشه جزئی آشکار یا پوشیده از دیپلماسی آمریکا بوده است. در این رابطه، طی دوره بعد از انتخاب ترامپ، گهگاه به طور مستقیم و غیرمستقیم از اقدام نظامی یا تشدید تحریم‌ها و به اصطلاح فشار حداکثری هم سخن گفته است.

البته باید توجه داشت که در تمام این روند پیش‌رو، اسرائیل و عربستان و چند کشور دیگر نیز که رابطه بسیار نزدیکی با تیم ترامپ دارند، دستور کار خود را خواهند داشت و از جمله خواهند کوشید تا مذاکرات تنها به برنامه هسته‌ای ایران محدود نماند و شامل برخی امور دیگر از جمله امور منطقه‌ای و غیره نیز بشود.



به علاوه، فکر می‌کنم که با توجه به تجربه گذشته و مواضع عمومی ترامپ و رویکرد نیمه نمایشی نیمه دیپلماتیک که همواره از او دیده ایم، او ممکن است خواستار آن شود که روند مذاکراتی بین ایران و آمریکا با ملاقات او با یک مقام عالی‌رتبه ایرانی مثلاً رئیس جمهور ایران آغاز شود.

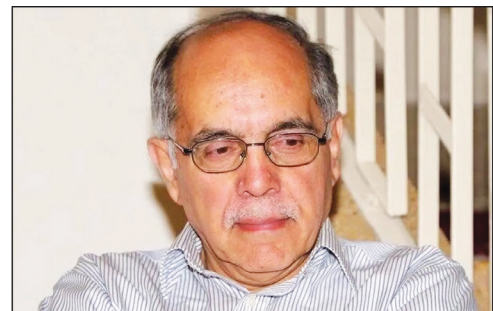
وی در مورد برجام گفت: باید توجه داشته باشیم که این سند بسیار خوب مذاکره شده و بسیار بیشتر به سود ایران است تا به سود آمریکا و لذا مواضع مقامات ما باید اولاً احیای برجام با برخی اصلاحات حداقلی باشد و در نهایت ایران نباید از اینکه همین سند مبنای مذاکرات باشد، کوتاه بیاید. فکر می‌کنم این برای طرف مقابل هم نهایتاً قابل قبول باشد. متأسفانه برخی اظهارات مقامات ما مبنی بر منتفی بودن برجام و مانند آن به سود منافع ایران نبوده و باید تعدیل و تصحیح شود.

وقتی ایده‌های نادرید اصل میز مذاکره را می‌سوزانید

در سمت مقابل اما مجید شاکری، پژوهشگر ارشد اقتصادی هم در فرهیختگان نوشت: ایراد اصلی دوستانی که به مذاکره علاقه‌مندند و آن را به عنوان ابزاری برای سیاست داخلی تلقی می‌کنند، این است که بیشتر از محتوای مذاکره در مورد شکل آن صحبت می‌کنند، تصور آن‌ها این است که یک چوب جادوی امتحان‌نشده به نام مذاکره مستقیم وجود دارد که اگر از آن استفاده کنیم، بلافاصله تأثیر خواهد داشت. اما تجربه گذشته نشان داده

گزینه حمله هدفمند نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران که مدنظر اسرائیل است. فکر می‌کنید ترامپ با توجه به تجربه گذشته در قبال ایران کدام مسیر را انتخاب کند؟ گفت: سه گزینه فوق، حتما مطرح هستند اما شاید عمدتاً در طول هم. به این معنی که ترامپ ضمن طرح تهدیداتی که طی همین یکی دو ماه هم شاهد بوده ایم، خواستار مذاکره مستقیم با ایران خواهد بود. البته تهدید همیشه جزئی آشکار یا پوشیده از دیپلماسی آمریکا بوده است. در این رابطه، طی دوره بعد از انتخاب ترامپ، گهگاه به طور مستقیم و غیرمستقیم از اقدام نظامی یا تشدید تحریم‌ها و به اصطلاح فشار حداکثری هم سخن گفته است.

البته باید توجه داشت که در تمام این روند پیش‌رو، اسرائیل و عربستان و چند کشور دیگر نیز که رابطه بسیار نزدیکی با تیم ترامپ دارند، دستور کار خود را خواهند داشت و از جمله خواهند کوشید تا مذاکرات تنها به برنامه هسته‌ای ایران محدود نماند و شامل برخی امور دیگر از جمله امور منطقه‌ای و غیره نیز بشود.



به علاوه، فکر می‌کنم که با توجه به تجربه گذشته و مواضع عمومی ترامپ و رویکرد نیمه نمایشی نیمه دیپلماتیک که همواره از او دیده ایم، او ممکن است خواستار آن شود که روند مذاکراتی بین ایران و آمریکا با ملاقات او با یک مقام عالی‌رتبه ایرانی مثلاً رئیس جمهور ایران آغاز شود.

وی در مورد برجام گفت: باید توجه داشته باشیم که این سند بسیار خوب مذاکره شده و بسیار بیشتر به سود ایران است تا به سود آمریکا و لذا مواضع مقامات ما باید اولاً احیای برجام با برخی اصلاحات حداقلی باشد و در نهایت ایران نباید از اینکه همین سند مبنای مذاکرات باشد، کوتاه بیاید. فکر می‌کنم این برای طرف مقابل هم نهایتاً قابل قبول باشد. متأسفانه برخی اظهارات مقامات ما مبنی بر منتفی بودن برجام و مانند آن به سود منافع ایران نبوده و باید تعدیل و تصحیح شود.

وقتی ایده‌های نادرید اصل میز مذاکره را می‌سوزانید

در سمت مقابل اما مجید شاکری، پژوهشگر ارشد اقتصادی هم در فرهیختگان نوشت: ایراد اصلی دوستانی که به مذاکره علاقه‌مندند و آن را به عنوان ابزاری برای سیاست داخلی تلقی می‌کنند، این است که بیشتر از محتوای مذاکره در مورد شکل آن صحبت می‌کنند، تصور آن‌ها این است که یک چوب جادوی امتحان‌نشده به نام مذاکره مستقیم وجود دارد که اگر از آن استفاده کنیم، بلافاصله تأثیر خواهد داشت. اما تجربه گذشته نشان داده

احتمال میانجی‌گری ژاپن میان ایران و آمریکا

موضوع ایران و آمریکا را با خبر یک رسانه ژاپنی شروع کنیم که مدعی نقش احتمالی توکیو در میانجیگری میان ایران و آمریکا شد. یک منبع مطلع مدعی شد دولت ایران در حال بررسی میانجیگری ژاپن در مذاکرات پشت پرده با دولت بعدی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور منتخب آمریکا درباره موضوع هسته‌ای است.

کیودو با انتشار این مطلب گزارش داد: دولت قبلی ترامپ رویکرد سختگیرانه‌ای نسبت به موضوع برنامه هسته‌ای ایران داشت که موجب افزایش تنش‌ها در روابط ایران و آمریکا شد. ژاپن کشور دوست ایران محسوب می‌شود و در صورت میانجیگری، انتظار می‌رود در کاهش تنش‌ها میان آمریکا و ایران درباره برنامه هسته‌ای آن و موضوع تحریم‌ها ایفای نقش کند.

دولت دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ با ادعای ناقص بودن توافق هسته‌ای از آن خارج شد. ایران در ازای لغو تحریم‌های بین‌المللی در این توافق، فعالیت‌های هسته‌ای خود را محدود کرد. دولت ترامپ با در پیش گرفتن سیاست «کارزار فشار حداکثری» ضمن بازگردانی تحریم‌های پیشین علیه ایران، تا آخرین روزهای خود در کاخ سفید به اعمال تحریم‌ها علیه ایران ادامه داد.

ایران پس از یک سال و نیم تحمل تحریم‌های آمریکا و بدعهدی کشورهای اروپایی در عمل به تعهداتشان نسبت به کاهش تأثیر تحریم‌ها و عادی‌سازی روابط تجاری با ایران، اعلام کرد که طبق حق مشروع خود برای اتخاذ تدابیر جبرانی طبق بند ۳۶ برجام، از برخی تعهدات داوطلبانه خود در توافق هسته‌ای فاصله می‌گیرد. اگرچه، ایران اعلام کرده است در صورتی که اعضای توافق برای احیای آن پایبندی دو جانبه به تعهدات ارائه سیاسی و حسن نیت نشان دهند، آماده نهای کردن توافقی «خوب» برای لغو کلیه تحریم‌ها است.

دولت (جو بایدن) در مارس ۲۰۲۲ مذاکرات وین برای احیای توافق هسته‌ای را به طور غیرمستقیم با ایران و با مشارکت اعضای اصلی این توافق آغاز کرد. اگرچه، این مذاکرات با وجود برخی پیشرفت‌های فنی بی‌نتیجه ماند. ترامپ پس از پیروزی در انتخابات پنجم نوامبر درباره ایران گفته بود نمی‌خواهد مانع پیشرفت ایران شود، اما مانع هسته‌ای شدن آن خواهد شد.

احیای برجام با برخی اصلاحات، گزینه مطلوب ایران است

در همین راستا کوروش احمدی در گفت‌وگو با ایرنا گفت: در مذاکراتی که به نهای شدن برجام در ۲۰۱۵ انجامید، تصمیم نظام سیاسی ایران این بود که مذاکرات صرفاً در مورد برنامه هسته‌ای و تحریم‌های هسته‌ای باشد و چنین نیز شد.

احمدی در پاسخ به این سؤال که تا کمتر از یک ماه دیگر دونالد ترامپ به کاخ سفید باز می‌گردد. در این مدت زمان گذشته از انتخاب مجدد او، نظرات و پیش‌بینی‌های مختلفی درباره رویکرد احتمالی او نسبت به تهران شنیده شده است. به نظر می‌رسد که این بار ترامپ با سه گزینه روبه رو است: تعامل و مذاکره، تداوم سیاست فشار حداکثری بدون حرکت به سمت گزینه نظامی و